

زبان شعر امروز

دنیای واژه‌ها ■ موسیقی شعر

لیلا کردبچه



زبان شعر امروز

سرشناسه	کردبچه، لیلا، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	زبان شعر امروز / لیلا کردبچه.
مشخصات نشر	تهران: نگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	ج. ۳.
شابک	ج. ۱. : 978-600-376-414-9 ج. ۲. : 978-600-376-415-6 ج. ۳. : 978-600-376-416-3 دوره 2-978-600-376-413-2
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	ج ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیبا).
مندرجات	ج. ۱. (دنیای واژه‌ها- موسیقی شعر امروز). ج. ۲. (ساختار نحوی شعر امروز). ج. ۳. (نمایش شعر- صور خیال شعر امروز).
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
موضوع	Persian poetry -- 20th century - History and criticism
موضوع	فارسی - دستور
موضوع	Persian language -- Grammar
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ / ۲: ۳۵ / ۲۳۸۱۱ PIR
رده بندی دیویی	۸۱۶ / ۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۸۵۶۳۸

زبان شعر امروز

(دنیای واژه‌ها - موسیقی شعر امروز)

لیلا کردبچه



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

لیلا کر دیچہ

زبان شعر امروز ۱
(دنیای واژه‌ها - موسیقی شعر امروز)

چاپ اول: ۱۳۹۷ - شمارگان: ۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی: اطلس چاپ - چاپ: پارمیدا
صفحه آرایی: احمد علی پور
شابک: ۹ - ۴۱۴ - ۳۷۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک دوره: ۲ - ۴۱۳ - ۳۷۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه
«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

● www.negahpub.com ● negahpub ● newsnegahpub

پیشکش به ساحت افاضل زمانه:

محمد رضا شفیعی کدکنی و زنده یاد محمد تقی وحیدیان کامیار

و سپاس ویژه از بزرگواران؛ آقای دکتر حسین آقا حسینی و خانم
دکتر شهناز عرش اکمل که این اثر را با سعه صدر و دقت نظر
بازخوانی و بررسی کردند و نکات مهم و ارشمنندی را یادآور
شدند.

فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۲۱	توضیحات
۲۵	مقدمه
۶۹	پی‌نوشت

دنیای واژه‌ها

قاعده‌کاهی واژگانی

۸۵	واژگان تازه
۹۱	واژگان دخیل
۱۰۳	نام‌های خاص (اعلام)
۱۰۸	اصطلاحات موسیقی
۱۱۰	اصطلاحات ادبی
۱۱۲	اصطلاحات ریاضی و هندسه

۱۱۵	اصطلاحات حقوقی و سیاسی
۱۱۷	واژگان و اصطلاحات زندگی امروز
۱۲۲	واژگان و اصطلاحات روزمره و عامیانه
۱۳۱	شعر عامیانه
۱۳۷	واژگان بومی
۱۴۵	واژگان کهن
۱۵۵	واژه‌سازی
۱۶۰	ترکیب
۱۶۲	اسم + اسم
۱۷۱	صفت + اسم
۱۷۴	صفت + صفت
۱۷۷	اشتقاق فعلی
۱۷۹	اسم + ماده ماضی / ماده مضارع
۱۸۳	فعل + اسم
۱۸۵	صفت + فعل
۱۸۹	قید + ماده فعل
۱۹۱	ماده فعل + وند
۱۹۲	وندافزایی
۱۹۴	آگین / آجین
۱۹۶	آنه
۱۹۸	اینه
۲۰۱	ایه
۲۰۳	بار
۲۰۵	وار
۲۰۸	واره

۲۱۰	وش
۲۱۱	گی
۲۱۵	فام
۲۱۶	ستان
۲۱۹	سار
۲۲۲	زار
۲۲۴	ناک
۲۲۸	اسم + میانوند + اسم
۲۳۱	صفت + میانوند + صفت
۲۳۳	ماده فعل + میانوند + ماده فعل
۲۳۵	یادداشت‌های «دنیای واژه‌ها»

موسیقی شعر امروز

قاعده‌افزایی

۲۴۱	موسیقی
۲۴۸	توازن و تکرار
۲۵۵	کارکردهای تکرار
۲۷۴	توازن آوایی
۲۷۵	وزن
۲۸۰	محاسن وزن عروضی
۲۸۵	تنگنای وزن
۳۰۵	دخول و تصرف در وزن

- ۳۰۷ مستزاد
 ۳۱۱ بحر طویل
 ۳۱۶ مستزاد و بحر طویل = شعر نیمایی
 ۳۱۸ شعر نیمایی
 ۳۲۱ شعر هجایی
 ۳۲۴ شعر سپید
 ۳۲۸ ترکیب وزن و بی وزنی
 ۳۳۰ ترکیب اوزان
 ۳۳۳ موازنه و ترصیع
 ۳۳۹ سجع متوازن
 ۳۴۱ جفت های اتباعی
 ۳۴۵ تتابع اضافات
 ۳۴۸ واج آرایی
 ۳۶۰ اسم صوت
 ۳۷۵ توازن واژگان
 ۳۸۰ تکرار بخشی از واژه
 ۳۸۱ قافیه
 ۴۰۲ سجع
 ۴۰۷ جناس
 ۴۱۴ شعر پژواکی
 ۴۲۱ تکرار واژه
 ۴۲۶ ردیف
 ۴۴۸ رد الصدر الی العجز
 ۴۵۰ رد العجز الی الصدر
 ۴۵۳ رد القافیه

- ۴۵۵ تکرار گروهی از واژگان
- ۴۷۲ توازن نحوی
- ۴۷۴ تکرار ساختمان نحوی مرتب
- ۴۷۸ تکرار ساختمان نحوی مشوش
- ۴۸۱ طرد و عکس
- ۴۸۷ یادداشت‌های «موسیقی شعر امروز»

پیشگفتار

در شعر معاصر مسأله زبان و تغییرات و دگرگونی‌های آن از اهمیتی بسیار برخوردار است؛ چراکه شعر فارسی در صد سال اخیر نه تنها در حوزه محتوا و رویکردهای مضمونی دستخوش دگرگونی شده، بلکه در زمینه زبان نیز گونه‌های برجسته‌سازی بسیاری را پذیرفته است. این برجسته‌سازی‌های زبانی در شعر معاصر اغلب با جانبداری افراطی منتقدان و پژوهشگران نوآوری قلمداد شده‌اند، به گونه‌ای که برخی شعر امروز و زبان شعر امروز را نتیجه گسستی ناگهانی و عظیم از ادبیات قدیم می‌دانند، حال آنکه شعر و ادبیات معاصر نیز اگرچه ممکن است در برابر درخت پرشاخ و برگ ادبیات کهنسال، نهالی نارس یا نارس به نظر برسد، اما همین نهال جوان نیز ریشه در خاک زبان فارسی دارد و این طبیعی است که هر هنرمندی برای خلق اثر هنری، هر بار خود را از صفر نیاغازد و الفبا، دستور زبان، فرهنگ لغات، معانی و بیان، بدیع و عروض و قافیه‌ای ویژه خویش نیافریند، بلکه از گنجینه‌ای که در اختیار دارد استفاده کند.

زبان شعر با دو شیوه «قاعده‌افزایی» و «قاعده‌کاهی» از زبان معیار فاصله گرفته و برجسته می‌شود. قاعده‌افزایی شامل سه گروه «توازن آوایی»، «توازن

واژگانی» و «توازن نحوی» است و قاعده کاهی نیز شامل قاعده کاهی های «آوایی»، «نحوی»، «نوشتاری»، «واژگانی»، «زمانی»، «معنایی»، «سبکی» و «گویی» است و بدیهی است که برای رسیدن به هر نتیجه ای درباره زبان شعر امروز باید برجسته سازی های زبانی در تمامی گروه ها و زیرگروه های مذکور و در کار شاعران برجسته و شناخته شده معاصر مورد بررسی قرار گیرد تا به نتیجه برسد. اما به نظر می رسد اغلب پژوهشگران و منتقدانی که در عرصه زبان شعر معاصر تحقیق و پژوهش کرده اند به بررسی چند گونه برجسته سازی و تنها در کار چند شاعر بسنده نموده اند و به اظهار نظری کلی درباره زبان شعر معاصر پرداخته اند؛ به عنوان نمونه می توان آراء و عقاید گروهی را که زبان شعر معاصر را نتیجه گسستی آشکار از ادبیات قدیم می دانند، نتیجه تأکید ویژه ایشان بر ویژگی های زبانی نیمایوشیج و نیز دقت و تأمل مفرط بر هنجارگریزی های نوشتاری و نحوی و واژگانی شعر دهه هفتاد دانست.

در اغلب پژوهش ها در حوزه زبان شعر معاصر، گونه ای افراط در پیرنگ تر نشان دادن برخی جنبه های زبانی و نادیده گرفتن یا کمتر دیدن برخی جنبه ها و وجوه زبانی دیده می شود که در نهایت منجر به فقدان نتیجه گیری صریحی در زمینه زبان شعر معاصر شده و حتی در موارد بسیار، دستاوردهای زبانی ادبیات قدیم را نیز تحت عنوان نوآوری در زبان شعر امروز مطرح کرده است؛ نظیر برخی سازه ها در ترکیبات اسمی که با وجود نمونه های بسیار در شعر نظامی و خاقانی و... مانند کشفی بدیع در کار شاعران معاصر تلقی شده است.

اساس کار این پژوهش بررسی عوامل برجسته ساز زبانی در دو گروه قاعده افزایی (توازن آوایی، توازن واژگانی، توازن نحوی) و قاعده کاهی (قاعده کاهی واژگانی، قاعده کاهی نحوی، قاعده کاهی معنایی، قاعده کاهی نوشتاری) در زبان شعر معاصر و تطبیق آن ها با نمونه های موجود

در ادبیات قدیم می‌باشد. فصل‌بندی و تنظیم مطالب این کتاب نیز بر مبنای شیوه‌های برجسته‌سازی‌های زبان شعر در دو گروه عمده قاعده‌افزایی‌ها و قاعده‌کاهی‌ها صورت گرفته که در نهایت پنج مبحث را شکل داده است:

- قاعده‌کاهی واژگان (فصل اول؛ دنیای واژه‌ها)

- قاعده‌افزایی (فصل دوم؛ موسیقی شعر امروز)

- قاعده‌کاهی نحوی (فصل سوم؛ ساختار نحوی زبان شعر امروز)

- قاعده‌کاهی نوشتاری (فصل چهارم؛ نمایش شعر)

- قاعده‌کاهی معنایی (فصل پنجم؛ صورخیال شعر امروز)

و قاعده‌کاهی زمانی را به عنوان مبحثی مجزا مورد بررسی قرار نداده‌ایم؛ چراکه در هر یک از مباحث واژگانی، موسیقایی، نحوی، معنایی و نوشتاری، عملاً به بررسی زیرمجموعه‌های هر مبحث در دو ساخت ادبیات قدیم و شعر معاصر پرداخته‌ایم و در هر بخش نمونه‌هایی از برجسته‌سازی‌های زبانی مورد بحث را در متون نظم و نثر قدیم به دست داده‌ایم و به این شکل، کهن‌گرایی را در تمامی بخش‌های مورد بررسی لحاظ کرده و در هر شیوه نشان داده‌ایم که آن شیوه‌آشنایی‌زدا از زبان معیار، تا چه اندازه وام‌دار دستاوردهای ادبی قدیم یا مسبوق به سابقه در ادبیات قدیم بوده است، حتی اگر شاعران معاصر متوجه وجود نمونه‌های آن در ادبیات قدیم نبوده باشند.

در ادبیات قدیم دستاوردهای زبانی شعر شاعرانی چون مولوی، حافظ، سعدی، فردوسی، نظامی، خاقانی، رودکی، منوچهری، مسعود سعد، ختیم، فرخی، بیدل، صائب، ناصر خسرو... را مدنظر قرار داده‌ایم و علاوه بر آن به بررسی ویژگی‌ها و ساخت‌های زبانی و موسیقایی و نحوی در متون نثر بهره‌مند از برجسته‌سازی‌های زبانی نیز همچون تاریخ‌بیهقی، نفثة‌المصدور، مرزبان‌نامه، کلیله و دمنه، چهارمقاله، گلستان، مناجات‌نامه، تذکرة‌الأولیاء،

سیاست‌نامه و... پرداخته‌ایم و سازه‌های زبانی و موسیقایی شعر معاصر را با نتایج به دست آمده از متون نظم و نثر قدیم تطبیق داده‌ایم.

در شعر معاصر نیز مبنای این پژوهش بر اساس ساختارهای زبانی شعر شاعران شاخص معاصر از دوره مشروطه تا به امروز است و در این راستا آثار اغلب شاعران معاصر را تا سال ۱۳۹۶ بررسی کرده‌ایم و به طور خاص بر آثار شاعران متأخرتر و جوان‌تر در برخی بخش‌ها تمرکز بیشتری داشته‌ایم، چراکه معتقدیم در کار جوان‌ترها جسارت‌های زبانی بیشتری که اغلب به نوآوری‌های زبانی پهلومی زند دیده می‌شود؛ رویکردی که در کار شاعرانی با پیشینه و تجربه بیشتر، معمولاً جای خود را به گونه‌ای از محافظه‌کاری در پذیرش خطرات زبانی می‌دهد. همچنین از دلایل توجه بیشتر به شعر شاعران جوان تر باید به این مسأله اشاره کرد که بررسی برخی شیوه‌های برجسته‌سازی زبانی به ویژه در مباحثی چون نوآوری در قالب‌های کهن شعری و نیز نوآوری در شیوه‌های نوشتاری، بدون توجه به اشعار جوان‌ترها اساساً مباحثی عقیم و خالی از شاهد مثال‌های کافی می‌بودند.

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و بررسی زبان شعر معاصر و مقایسه فراروی‌های آن با دستاوردهای زبانی ادبیات قدیم است که قابل تفکیک به چهار شاخه زیر می‌باشد:

- شناخت و بررسی گونه‌های برجسته‌سازی زبانی در ادبیات قدیم که در شعر معاصر مورد توجه قرار گرفته است.
- شناخت و بررسی گونه‌های برجسته‌سازی زبانی در ادبیات قدیم که در شعر معاصر مورد توجه قرار نگرفته است.
- شناخت و بررسی گونه‌های برجسته‌سازی زبانی در شعر معاصر که مسبقاً به سابقه در ادبیات قدیم نبوده است.

- شناخت و معرفی پرکاربردترین شیوه‌های برجسته‌سازی زبانی در شعر معاصر، تحلیل و بررسی توجه یا بی‌توجهی شاعران، نحله‌های شعری و دهه‌های شعری به شیوه‌های گوناگون برجسته‌سازی زبانی.

بدیهی است که هر شاعر، هر گروه از شاعران وابسته به یک نحله شعری و یا شاعران یک دهه خاص، ویژگی‌های زبانی تا حدودی مشابه داشته و به یک یا چند شیوه از شیوه‌های برجسته‌سازی زبانی توجه بیشتری نشان داده باشند. بر همین اساس است که در برخی گروه‌ها و زیرگروه‌ها، اغلب شاهد مثال‌ها متعلق به چند شاعر مشخص است و برعکس در گروهی دیگر، ردپایی از شعرایشان نبوده و شاهد مثال‌هایی از شاعران دیگر داریم. بر همین اساس بررسی زبان شعر امروز در پنج فصل «قاعده‌افزایی»، «قاعده‌کاهی واژگانی»، «قاعده‌کاهی نحوی»، «قاعده‌کاهی معنایی» و «قاعده‌کاهی نوشتاری»، تفاوتی بارز را در رویکرد شاعران معاصر به شیوه‌های گوناگون برجسته‌سازی زبان نشان می‌دهد.

گذشته از میزان توجه شاعران معاصر به هر یک از گونه‌های برجسته‌سازی زبان، توجه به چند نکته نیز ضروری است:

- نخست اینکه بررسی‌ها نشان می‌دهد بخش عمده شیوه‌های برجسته‌سازی زبان در شعر معاصر، تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم دستاوردهای زبانی ادبیات قدیم است و حتی اگر سرایندگان معاصر از وجود این شیوه‌ها، دستاوردها و نمونه‌ها در ادبیات قدیم بی‌خبر بوده باشند، نباید مسبوق به سابقه بودن این برجسته‌سازی‌ها در ادبیات قدیم را از نظر دور داشت. بنابراین می‌توان بخش عمده برجسته‌سازی‌های زبانی در شعر معاصر را نه دستاوردهای زبانی شاعران معاصر، بلکه رویکردی به دستاوردهای زبانی کهن دانست.

دیگر اینکه در اغلب نمونه‌های برجسته‌سازی زبانی در شعر قدیم، می‌توان تأثیر عامل وزن عروضی را بر شیوه‌های خروج از هنجارهای زبان حس کرد؛ چیزی که در بخش وسیعی از شعر معاصر به چشم نمی‌خورد. بنابراین دخل و تصرف‌های شاعران معاصر در عرصه زبان را باید تلاش‌هایی آگاهانه‌تر در راستای رسیدن به زبانی متفاوت و متمایز دانست که تأثیر عوامل بیرونی بر آن بسیار کم است.

دیگر اینکه مشخص نیست اغلب ویژگی‌های زبانی در ادبیات قدیم که امروزه تحت عنوان برجسته‌سازی و خروج از هنجارهای زبان معیار طرح می‌شوند، در زمان سرایش نیز خروج از هنجارهای زبان معیار دوره شاعر بوده و از زبان معیار همان دوره فاصله چندانی داشته باشند. بنابراین باید این نکته را در نظر داشت که اساساً خروج از هنجارهای زبان معیار، مفهومی نسبی است و از دوره‌ای به دوره‌ی زمانی دیگر تفاوت خواهد داشت.

دیگر اینکه شاعران معاصر از تمامی ظرفیت‌ها و دستاوردهای زبانی شعر قدیم بهره نبرده‌اند و همچنان می‌توان گونه‌هایی از برجسته‌سازی‌های زبانی را در ادبیات قدیم یافت که از توان آشنایی‌زدایی بالایی برخوردارند و متأسفانه هنوز مورد توجه شاعران قرار نگرفته‌اند؛ گونه‌هایی که در بخش‌های گوناگون این پژوهش به آن‌ها پرداخته‌ایم.

دیگر اینکه بخشی از برجسته‌سازی‌های زبانی در شعر معاصر نیز نه تحت تأثیر ادبیات قدیم شکل گرفته و نه حاصل نیازهای شعری و اندیشگی شاعران بوده، بلکه اساساً تحت تأثیر ترجمه شعرها و داستان‌های غربی وارد شعر فارسی شده است. برخی گونه‌های هنجارگریزی نوشتاری و ایجاد اشعار دیداری و تصویری و نیز شروع‌های بی‌مقدمه و پایان‌های باز اشعار... در این گروه جای می‌گیرند و در میان شاعران معاصر، تحصیل‌کردگان در کشورهای غربی یا مهاجران به آن کشورها بیشترین نمونه‌های چنین برجسته‌سازی‌هایی را دارند.

- و دیگر اینکه در شعر معاصر برخی نوآوری‌ها وجود دارد که چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است؛ مانند برخی حذف‌های بی‌قرینه و نامتعارف، یا شیوه‌ای در کاربرد صفات که در این پژوهش تحت عنوان «صفات نامتعارف» بررسی شده است، یا شیوه‌ای خاص و تازه در کاربرد صنعت «ردالعجزالی الصدر»، یا برخی سازه‌ها در ساختمان صفت تفضیلی و... که البته نمی‌توان تمامی آن‌ها را تأیید کرد، به‌ویژه شیوه‌هایی را که اساساً به آن‌ها عنوان «نامتعارف» داده‌ایم.

اما در نهایت پس از شناخت گونه‌های برجسته‌سازی و آشنایی با نمونه‌های آن در ادبیات قدیم و شعر معاصر، شاید به نظر برسد که با اشراف بر شیوه‌های برجسته‌سازی زبان می‌توان شاعر شد و این درحالی است که «اهمیت ادبیات، صرفاً در شیوه بیان نیست، بلکه در محتوای اثر نیز هست» (اسکات، ۱۳۴۸: ۹)؛ یعنی به‌صرف آموختن تمامی شیوه‌های برجسته‌سازی زبان در حوزه‌های نحوی، موسیقایی، نوشتاری و... و حتی با ابداع شیوه‌هایی چند، شاعر نمی‌توان شد؛ یعنی چیزی نزدیک به مفهوم این بیت که:

شاعری طبع روان می‌خواهد نه معانی، نه بیان می‌خواهد

به این شرط که در کنار طبع روان، بن‌مایه اندیشگی را نیز در نظر بگیریم. بر همین مبنا در این پژوهش در موارد بسیار به تلاش‌های آگاهانه برخی شاعران در ایجاد برخی سازه‌های ناموفق زبانی اشاره کرده‌ایم و در کنار آن به توفیق‌آمیز بودن بسیاری از برجسته‌سازی‌های زبانی که توأم با کشف و شهودی شاعرانه بوده و سعی و تلاش آگاهانه شاعر، نقش کمی در شکل‌گیری آن داشته نیز توجه داشته‌ایم.

در واقع باید دانست که علاوه برداشتن دانش زبانی، شاعر باید به گنجینه ارزشمند دیگری نیز متکی باشد که ارتباط مستقیم با گستردگی جهان بینی و نوع نگاه وی به دنیا دارد و می تواند در هر شاعری، نمودی خاص، دیگرگونه و منحصر به فرد داشته باشد. حال آنکه آرایه ها چنین نیستند و می دانیم که سازوکار اغلب آن ها از آغاز تاریخ ادبیات تا به امروز و در شعر تمامی شاعران، به یک شکل بوده است. این نوع نگاه ثابت می کند که شعر در معنای واقعی، وابستگی تام به آرایه های بیرونی ندارد و اصیل ترین و ناب ترین شعرها آن است که از دل برآید و لاجرم بردل نشیند.